



گفت‌وگوی «فرهیختگان» با علی اصغر سمیعی، رئیس اسبق کانون صرافان

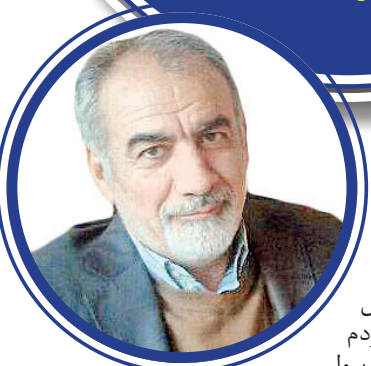
## کاهش قیمت دلار با افزایش عرضه

## منجر به فشرده شدن مجدد فنر ارز می شود

■ دستگیری صرافان و برخورد با بازار ارز هیچ نتیجه مثبتی نخواهد داشت



باز هم حکایت همیشگی دلار، بازار ارز و بی ثباتی و ناآرامی در آن که در اقتصاد ایران عمده‌تأثیر افزایش قیمت ارز خود را نشان می‌دهد، به بحث روز اقتصاد کشور تبدیل شده است؛ موضوعی که عده‌ای روی کار آمدن دولت یازدهم و بعدها دولت دوازدهم را پایانی بر آن می‌دانستند و البته برخی نیز توافق برجام را پایانی بر دلار گران دانسته و برجام را هم‌دیف دلار هزار تومانی می‌پنداشتند. فارغ از عدم ارتباط این دو موضوع با یکدیگر و شعارهای مطرح‌شده در سال‌های اخیر، افزایش بی‌دلیل و یکباره نرخ ارز سبب شد در گفت‌وگویی با علی اصغر سمیعی، کارشناس بازار ارز و رئیس اسبق کانون صرافان به بررسی این موضوع بپردازیم. سمیعی از جمله افرادی است که افزایش قیمت ارز را هم‌دیف یا واقعی‌سازی نرخ ارز دانسته و علاوه بر تبعات این موضوع برای اقتصاد معتقد به مزایای بی‌شمار آن در اقتصاد ملی است. متن کامل گفت‌وگوی «فرهیختگان» با علی اصغر سمیعی در ذیل آمده است.



بودن پول ملی در سایر کشورها به دلیل اعتماد مردم آن حوزه به پول ملی خودشان است.

اعتماد مردم هم از آنجا ایجاد می‌شود که ابتدا مردم به صداقت دولت یقین داشته باشند؛ یعنی به مردم بگوییم اگر می‌خواهید ارز داشته باشید، ما قرار است این کارها را انجام دهیم.

با توجه به مواردی که گفتید، به نظرتان قیمت واقعی دلار در بازار ایران در حال حاضر چه رقمی است؟

برای تعیین این موضوع باید فروض مختلف را در نظر گرفت، بعد براساس آن فروض رقم مورد

به هرحال در هفته‌های گذشته هم رئیس کل بانک مرکزی و هم رئیس جمهور از بازگشت آرامش به بازار ارز و کاهش قیمت‌ها در بهمن و اسفندماه خبر داده بودند. نظرتان درباره این اظهارات چیست؟

مگر در بهمن و اسفند قرار است چه اتفاقی بیفتد که نرخ ارز کاهش پیدا کند. اقتصاد کار خودش را می‌کند. ما برای تنظیم قیمت ارز در کشور سه آیتیم مهم داریم؛ آیتیم اول این است که درآمدهای ما با هزینه‌هایمان همخوانی داشته باشد که از این نظر مشکلی وجود ندارد و در حال حاضر هزینه‌های ما حداکثر ۵۰ میلیارد دلار است، در حالی که درآمدهای ما مسلماً بیشتر از این مبلغ است، پس ما در این حوزه مشکلی نداریم. مسأله دوم موضوع تورم است که این موضوع نیز غیر از دولت محترم و بانک مرکزی دست هیچ کس نیست؛ یعنی اگر آقایان بخواهند می‌توانند تورم را کنترل کنند که کاهش هم این است که دست از چاپ پول بردارند. حالا ممکن است دولت بگوید اگر پول چاپ نکنیم، ممکن است در اداره امور کشور و پرداخت‌های جاری کشور اختلال ایجاد شود که به نظر می‌توان از جاهای دیگری چون افزایش قیمت حامل‌های انرژی و دریافت مالیات این منابع را تأمین کرد؛ یعنی دولت برای پوشش هزینه‌هایش دست به چاپ پول نزند. حتی اگر می‌خواهیم پول چاپ کنیم و چاره‌ای جز این نداریم، حداقل بایسیم تفاضل نرخ تورم داخلی با تورم آمریکا را روی نرخ ارز به صورت افزایش نرخ ارز اضافه کنیم، نه اینکه صبر کنیم و فنر را نگه داریم تا فشرده شود و یکباره این فنر دیرپرد و صدای مردم و فعالان اقتصادی دربیاید. آقای سیف در سال ۹۲ گفتند قیمت واقعی دلار ۳۲۰۰ تومان است، خب الان بایسیم بررسی کنیم در طول چهار سال گذشته انباشت تورم در اقتصاد ما منهای تورم در اقتصاد آمریکا چقدر بوده است؟ طبیعتاً این رقم باید به قیمت ۳۲۰۰ تومان آن سال افزوده شود. نکته سوم

که از دو نکته قبلی خیلی مهم‌تر است، مسأله جلب اعتماد مردم است. قوی‌ترین پول دنیا در حال حاضر یورو است، اما اگر فردا ۸۰ میلیون آلمانی هر کدام ۵۰۰ یورو در دست بگیرند و بخواهند آن را تبدیل به دلار کنند، مسلماً ارزش یورو به یک‌سوم ارزش فعلی می‌رسد؛ یعنی اگر الان ارزش یورو در برابر دلار آمریکا ۱/۲ است در این صورت ارزش یورو به ۰/۳ دلار می‌رسد؛ یعنی این قوی

به‌عنوان سوال اول می‌خواستم نظرتان را درباره دلایل اصلی افزایش نرخ ارز در ماه‌ها و هفته‌های اخیر و ثبت رکورد دلار ۵۰۰۰ تومانی در روزهای گذشته بدانم.

به نظرم دلیل اصلی این موضوع تفاوت نرخ تورم ما با نرخ تورم در کشورهای حوزه دلار است. در واقع وقتی نرخ تورم در کشوری مانند آمریکا معمولاً کمتر از سه درصد است، در حالی که میانگین نرخ تورم در کشور ما چیزی حدود ۱۵ درصد بوده است. طبیعتاً این اختلاف ۱۲ درصدی بین تورم ایران و آمریکا باید خودش را در جایی نشان دهد. مثلاً در این شرایط باید نرخ ارز ماهیانه حدود یک درصد افزایش قیمت داشته باشد. منتها در کشور ما با تزریق اضافه بر مصرف ارز در کشور این فنر نگه داشته شده و قیمت دلار بالا نمی‌رود، لذا وقتی تزریق ارز مقداری کاهش و تقاضا برای آن افزایش می‌یابد، این فنر نیز باز شده و ما شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم.

بله، اما موضوع مابه‌التفاوت تورم در اقتصاد ایران با کشورهای حوزه دلار همیشه وجود داشته است. سوال من این است که چرا این موضوع الان خودش را نشان داده، به عبارتی چه اتفاقی افتاده که این موضوع دیده شود؟

وقتی موضوع مابه‌التفاوت تورم داخلی و خارجی خودش را نشان نمی‌دهد، به این معنی است که دولت در حال تزریق اضافه بر مصرف دلار در کشور است و عرضه ارز بیش از تقاضای موجود صورت می‌گیرد. خب در این شرایط قیمت بالا نمی‌رود، اما وقتی این انرژی ذخیره شده و مقداری که باید افزایش قیمت داشته باشد، اما دولت به صورت دستوری و با افزایش عرضه اجازه این کار را نمی‌دهد، به هرحال باید این موضوع خودش را به نحوی نشان دهد، لذا همین که ما زور را از روی سر آن برمی‌داریم، این افزایش قیمت خودش را نشان می‌دهد، اما تا دست را از روی چوب برداریم، چوب ته آب می‌رود، اما تا دست را از روی چوب برداریم، چوب به سطح آب بازمی‌گردد. به نظرم این قیمت‌ها به نوعی دستوری و مدیریت‌شده هستند و با عدم دخالت و تزریق دولت واقعیت‌ها خودش را نشان می‌دهد.

یعنی شما، افزایش قیمت‌های اخیر را به خاطر کاهش عرضه ارز از سوی دولت می‌دانید نه افزایش تقاضای بازار؟

ممکن است افزایش تقاضا هم باشد؛ یعنی می‌تواند هر دوی این عوامل وجود داشته باشد، اما اگر می‌گذاشتند از ابتدا قیمت ارز به صورت واقعی جلوبرود، دیگر این کاهش عرضه و افزایش تقاضا به آن صورت مشکل ایجاد نمی‌کرد. برای مثال اگر شما ترازویی را در نظر بگیرید که در یک کفه آن وزنه ۵۰ کیلویی و در کفه دیگر وزنه ۴۹ کیلو و ۹۰۰ گرمی وجود داشته باشد، شما با اشاره یک انگشت خودتان می‌توانید شاهین این ترازو را تنظیم کنید، اما اگر در یک کفه ترازو ۵۰ کیلوگرم و طرف دیگر ۲۰ کیلوگرم باشد، طبیعتاً این کار امکان‌پذیر نیست.

غذا را انتخاب می‌کنید، اما اگر کوبیده ۱۰ هزار تومان و برگ هزار تومان باشد، طبیعتاً همه به سمت چلوکباب برگ و خوردن آن حمله می‌کنند. در واقع اینجا چون قیمت چلوکباب برگ واقعی نیست، تقاضا نسبت به آن بیشتر شده و یک رانت، تبعیض و فساد در اینجا شکل می‌گیرد.

عملکرد بانک مرکزی در این موضوع چطور بود؟ به هرحال در یکی دو روز گذشته روند افزایشی

نرخ ارز متوقف شده و اتفاقاً ما شاهد کاهش قیمت هم بودیم، اما این موضوع اگر منجر به فشرده شدن مجدد این فنر شود، کار اشتباهی است. اقدام درست این است که قیمت ارز همان‌طور که گفتیم، واقعی شده و متناسب با مابه‌التفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی افزایش یابد. به نظرم یکی از انتقاداتی که می‌توان به مدیریت دولت داشت این است که چرا دولت از موضع خودش عقب‌نشینی کرد. وقتی سه ماه پیش نرخ بهره ۲۰ درصدی را زیاد دانسته و آن را به ۱۵ درصد کاهش داد، چرا باید مجدداً این نرخ را از ۱۵ درصد به ۲۰ درصد افزایش دهد.

با توجه به شرایط موجود فکر می‌کنید قیمت ارز در اسفند ماه و روزهای منتهی به پایان سال چه روندی را طی کند؟

به هرحال حدود ۸۰ درصد درآمد ارزی ما توسط خود بانک مرکزی و دستگاه‌های دولتی است و فقط حدود ۲۰ درصد آن در اختیار غیردولت است، لذا اگر عرضه افزایش یابد، ممکن است قیمت همین رقم بماند یا حتی کاهش یابد که در چند روز گذشته نیز این اتفاق تا حدودی افتاده است. اما اگر عرضه افزایش نیابد و روند کاهشی داشته باشد، طبیعتاً قیمت‌ها نیز روند افزایشی خواهد داشت. علاوه بر این موضوع باید بدانیم که گران شدن یا همان افزایش نرخ ارز الزاماً موضوع نامبارکی نیست، بلکه اتفاقاً می‌تواند باعث افزایش صادرات، کاهش واردات کالاهای بی‌کیفیت و ایجاد اشتغال و... شود. برای مثال کشوری مانند چین تماماً ارزش پول ملی خود را کاهش می‌دهد تا بتواند از این طریق صادرات خود را افزایش دهد، اما در ایران افزایش نرخ ارز چنان عنوان می‌شود که این موضوع یک اتفاق نامبارک است و جز ضرر هیچ چیز دیگری ندارد.

نظر را محاسبه کرد. اگر بگوییم فرض ما این است که قیمت دلار در سال ۵۷ حدود هفت تومان بوده، تعیین قیمت فعلی به یک محاسبه نیاز دارد و اگر بگوییم فرض‌مان این است که در سال ۹۲ قیمت دلار ۳۲۰۰ تومان بوده است، باید جور دیگری محاسبه کرد، لذا برای پاسخ به این سوال در ابتدا باید مینا و پایه خودمان را مشخص کنیم. امروز ما اقتصاددانانی داریم که می‌گویند دلار باید ۳۵۰۰ تومان باشد و البته عده دیگری از اقتصاددانان معتقدند نرخ واقعی دلار ۶ هزار تومان است. بهترین راه این است که در یک هم‌اندیشی و با حضور تمام کارشناسان این حوزه این موضوع بررسی و قیمت واقعی ارز مشخص شود که اگر این اتفاق بیفتد، طبیعتاً اتفاق مثبتی خواهد بود.

به نظر شما موضوع دستگیری و جمع کردن برخی از صرافان و دلال‌های بازار ارز که در روزهای گذشته از سوی دولت دنبال شد، می‌تواند چه تبعات و ثمراتی در بازار ارز داشته باشد؟

مطمئن باشید هیچ نتیجه مثبتی نخواهد داشت. آخرین راه‌حل در هر اقتصادی رفتارهای این‌گونه است. اینکه چند صراف و دلال دستگیر شوند، اصلاً ربطی به اقتصاد و مسائل اقتصادی ندارد. اگر قیمت ارز در کشور مصنوعی نباشد و اقتصاد دارای چارچوب محکم و مشخصی باشد، هیچ نیازی به این اقدامات نیست، بلکه وقتی موضوعی از واقعیت‌ها فاصله داشته باشد، این اتفاقات می‌افتد. فرض کنید شما برای خوردن یک وعده غذا به یک چلوکبابی می‌روید، اگر قیمت چلوکباب برگ ۲۰ هزار تومان و قیمت چلوکباب کوبیده ۱۰ هزار تومان باشد، شما با توجه به بودجه خودتان یکی از این دو نوع



## نمودار نوشت

